

## کتاب‌های پیشنهادی

در حاشیه انتشار یادمانی نوین برای «شهید جمهور» گواهی بر آنکه «رئییسی روحانی بود»

■ شاهد توحیدی



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، بر آن است که با استفاده از عناصر داستانی به تبیین سیره شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی بپردازد. «رئییسی روحانی بود» از سوی گروه

فرهنگی انتشارات شهید ابراهیم هادی، تدوین و روانه بازار کتاب شده است. تازنمای ناشر در تشریح محتوای کتاب به نکات ذیل اشارت برده است: «کتاب رئیسی روحانی بود، زندگینامه و خاطرات رئیس جمهور شهید، خادم الرضا، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی است که به همت گروه فرهنگی انتشارات شهید ابراهیم هادی گردآوری شده است. نامگذاری این کتاب به دلیل مثنی زندگی و روش زیست ایشان است که به معنای واقعی تبلور یک روحانی در متن جامعه بودند و در راه جست‌وجوی عدالت و تقوا و برای خدمت به مردم، شهید شدند. کتاب رئیسی روحانی بود سعی دارد به گونه‌ای شفاف، روش زیست ایشان، زندگی واقعی یک روحانی مخلص و خادم مردم را به نمایش بگذارد. این کتاب با نگاهی جامع، از ابتدای تولد او تا پایان شهادتش را شرح داده و خاطرات جذاب و شنیدنی‌ای در این کتاب می‌خوانید که کمتر جایی شنیده‌اید. ماجرای سید ابراهیم ۲۰ساله که دادستان شهر پرحاشیه کرج می‌شود و برای اجرای قانون با هیچ‌کس تعارف ندارد و همان زمان بنی‌صدر و منتظری برای اجرای قانون توسط او با وی در گیر هم می‌شوند! داستان عباس معروفی و حکم اعدامی که شهید رئیسی آن را لغو می‌کند. زندگی ساده و خانه استیجاری که سال‌ها با وجود داشتن مسئولیت‌های بزرگ در جمهوری اسلامی در آن زندگی می‌کند. گره‌گشایی از مردم رسم



زندگی او بود و بسیاری از مردمی که با ایشان برخورد مستقیم داشتند، لطافت و مهربانی وی را تأیید می‌کنند. در زمانی که با سوء مدیریت‌ها، کارخانه‌ها به تعطیلی کشانده می‌شد و کارگران بسیاری بیکار می‌شدند، او کمر همت بست و یکی یکی موانع را برداشت و رونق تازه به جریان صنعت کشور داد، مثالش کارخانه هیکو. او را با سوادترین رئیس جمهور ایران می‌دانند، در درس حوزه تا پایان سطح چهار و هم‌زمان اخذ مدرک دکتری در رشته فقه خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی، شهادی بر این مدعاست، اما کسانی حالا به او بی‌سواد می‌گویند که عنوان رساله دکتری وی را حتی نمی‌توانند بنویسند!..»

در بخشی از اثر فوق آمده می‌خوانیم: «در جریان دادگاه‌های گروهک منافقین در تهران که در ایام شهادت آیت‌الله رئیسی برگزار شد، یکی از اعضای قبلی این سازمان در مورد اقدامات این گروهک صحبت کرد و گفت: من در یک عملیات ترور شرکت کردم و یک مغازه لوازم ورزشی را – که یک فرد انقلابی آن را اداره می‌کرد – با نارنجک هدف

قرار دادم. در جریان این حمله، یکی از غابرین پیاده به شهادت رسید. من به دنبال عملیات دیگری در همدان بودم که دستگیر شدم. جرم من مشخص بود. خودم می‌دانستم که اعدام من حتمی است. من انسان بی‌گناهی را کشته بودم، اما در زندان واقعاً توبه کردم. دادستان همدان از طریق خانواده‌ام متوجه موضوع شد. به دیدنم آمد و با من صحبت کرد و گفت: تمام تلاشم را برای رهایی تو انجام می‌دهم. باورم نمی‌شد دادستان انقلاب، اینقدر با مهربانی برخورد کند. نامش را پرسیدم و فهمید آیت‌الله رئیسی است. ایشان وقتی فهمید با نیروهای انقلابی همکاری دارم، شرایط را برای من مهیا کرد. پس از چند جلسه داد‌گاه، مبلغی به عنوان دیه تعیین کرد و چند سال حبس نیز برام تعیین شد و سپس آزاد شدم. او بود که با برخورد خوب، سرنوشت مرا تغییر داد.»

■ سنامه صادقی

نخستین سالروز شهادت آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی، فرصتی مغتنم است تا سیره مدیریتی وی مورد بازخوانی و بازنمایی قرار گیرد. در مقال بیی آمده، برادر و شش نفر از همکارانش در دولت به روایت پاره‌ای از خاطرات‌شان در این قفره دست زده‌اند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ مراقبه، محاسبه و رازداری

در آغاز این یادمان بهنگام می‌نماید قدری در باب خصال دیرین شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی سخن رود. چه این امر موجب می‌شود که اخلاقی مدیریتی وی نیز به سهولت فهم گردد. سید علی رئیسی برادر شهید در باب خصال «شهید جمهور» در ادوار گوناگون حیات چنین آورده است:

«باید گفت که اخلاق‌مداری از شاخصه‌های شخصیت او بود و از همان نوجوانی سعی می‌کرد با خانواده و اقوام رابطه خوبی داشته باشد. همچنین اهل توسل به قرآن، اهل‌بیت(ع) و کارهای تبلیغی بود و در دوران طلبگی‌اش هم به تبلیغ می‌رفت. او از کودکی اهل تواضع بود. این تواضع را در دوران میانسانی و حتی همین اواخر هم می‌دیدیم و مثلاً در روضه خانگی‌شان وقتی برایش جایی برای نشستن تعیین می‌کردند تا بنشیند، هر مکانی که می‌شد می‌نشست و نمی‌خواست برتر از دیگران باشد. از دیگر روحیات ایشان که بسیار بر آن اهتمام داشت، این بود که سید ابراهیم به مادر توجه بسیار داشت و از کودکی تا همین اواخر، همواره می‌کوشید به مادر احترام ویژه بگذارد و به ایشان خدمت کند. همیشه سعی داشت به مادر سر بزند و حتی با شرایط سخت امنیتی هم حتماً خدمت مادرمان می‌رسید و همیشه می‌کوشید رضایت‌ایشان را جلب کند. منزل مادر ما در منطقه‌ای متوسط است. شهید رئیسی در رفت‌وآمد به منزل مادر رعایت می‌کرد تا کسی متوجه نشود و واقعاً هم همسایگان دور‌دست، ما را نمی‌شناختند و بعد از شهادت باخبر شدند. البته برخی همسایگان مجاور مطلع بودند. حتی بنده هم شناخته شده نبودم و در شهر و محله به راحتی رفت‌وآمد داشتم و بعد از شهادت ایشان شناخته شدم و مردم کم و بیش مطلع شدند. اخلاص فوق‌العاده و رازداری، مراقبه و محاسبه در رفتار، از جمله شاخصه‌های شخصیتی ایشان محسوب می‌شود. شهید رئیسی در هر منصبی

## «اخلاص فوق‌العاده و رازداری، مراقبه و محاسبه در رفتار و اهتمام به زیارت ائمه اطهار(ع)، از جمله خصال برادرم محسوب می‌شود. شهید رئیسی در هر منصبی که بود، مردم را محور قرار می‌داد و در جلب رضایت آنان می‌کوشید. علاوه بر این شهید سعی می‌کرد در هر شرایطی، زیارت اربعین را برود. به یاد دارم یک سال در مسیر پیاده‌روی با شهید سلیمانی هم دیدار کرد»

که بود، مردم را محور قرار می‌داد و می‌کوشید خدمت به جامعه و مردم به نحو شایسته انجام پذیرد. از دیگر ویژگی‌های ایشان اهتمام بر زیارت ائمه اطهار(ع) بود، شهید رئیسی سعی می‌کرد تا در هر شرایطی زیارت اربعین را برود. به یاد دارم یک سال در مسیر پیاده‌روی اربعین بود و اتفاقاً با شهید سلیمانی هم دیدار کرد. ایشان توصیه می‌کرد در این راهپیمایی عظیم شرکت کنید و تعظیم شعائر الهی حتماً صورت بگیرد...»

■ بر محلل عبادتی عاشقانه

از مدخل‌های مهم به شخصیت شناسی «رئیس جمهور شهید»، سیره عبادی وی بود. علاقه به راز و نیاز با حضرت حق و نجواهای متضرعانه به پیشگاه او به ویژه در مقاطع دشوار و تعیین کننده، در زندگی رئیسی مکانتی والا و دائمی داشت. آیت‌الله محمد مهدی شب زنده‌دار از فقهای شورای نگهبان در تبیین این امر خاطر نشان کرده است: «یکی از ویژگی‌های برجسته شهید آیت‌الله رئیسی، انس و الفت با عبادت و مناجات با پروردگار متعال بود. سجده‌های طولانی، اشک‌های عاشقانه و خلوت با خداوند، بخشی‌ناپذیر از سیره عبادی ایشان به شمار می‌آمد. حتی در فرصت‌های کوتاهی که برای تشرّف به حرم مطهر حضرت رضا (ع) فراهم می‌شد، ایشان با اشتیاق می‌کوشیدند که یکی از نمازهای جماعت، ولو یک وعده شرکت کنند و از ثواب آن بهره‌مند شوند. با اینکه جایگاه رسمی و مدیریتی ایشان اقتضا می‌کرد تا از امکانات خاصی استفاده کنند، اما نهایت تواضع را در سلوک خود داشتند. به‌یاد دارم در یکی از سفرهایی که به هتل ولایت – که برای طلاب و علماست– اقامت داشتم، ایشان نیز همانجا سکونت کردند و اتاقی عادی مانند دیگران گرفتند. رفتارشان کاملاً ساده و بی‌تکلف بود. حتی بادم است در همان سفر، برخی افراد نوزاد خود را نزد ایشان آوردند تا در گوش نوزاد آنان و اقامه بگویند و ایشان با کمال تواضع این درخواست را پذیرفتند. اینها جلوه‌هایی از روحیه طلبگی ایشان بود که در تمام شئون رفتاری و اجتماعی‌شان نمایان بود. با وجود مسئولیت‌های کلان، ایشان بارها در سخنرانی‌های عمومی خود تصریح می‌کردند من یک طلبه‌ام و همین عنوان را بزرگ‌ترین افتخار خود می‌دانستند. شهید رئیسی ارزش واقعی خود را در طلبگی و در خدمت در اردوگاه حضرت بقیّه‌الله الاعظم (ارواحنا فداه) می‌دیدند و این مسئله نشان



جستارهایی در خصال شخصیتی شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در آینه ۶ روایت

# در بحران‌ها آرام بود

# و فقط به خدمت می‌اندیشید

می‌داد به‌خوبی درک کرده بودند که معنای واقعی طلبگی چیست و هر گز ظاهر امور دنیوی را بر آن ترجیح ندادند. به‌مذله روحیه جهادی و اخلاص در خدمت بر ایشان موج می‌زد و دور از ذهن نیست اگر بگویم خدای متعال به پاس همین اخلاص، مجاهدت‌ها و صفات برجسته، شهادت را نیز نصیب ایشان فرمود، چراکه شهدا نیز در محفل انس الهی، بهره‌مند از قرب الهی و انس با حق تعالی‌اند...»

■ در قاموس او، اوقات فراغت مفهومی نداشت

از دیگر نکات بارز در سیره شهید رئیسی، پر کاری وی بود. گو اینکه خستگی به وجودش راه نداشت و همواره انجام کارها را در زمانی زودتر از موعد مقرر کلید می‌زد. این امر موجب شد در دوره کوتاه ریاست جمهوری به توفیقاتی فراوان دست یابد. سیدمحمد حسینی معاون پارلمانی دولت سیزدهم در این باره اشاراتی به ترتیب ذیل دارد: «شهید رئیسی دائماً می‌گفت: اللّٰهُ تَعَالٰی مَرَّ السَّحَابِ، فانتَهزوا فرص الخیر: فرصت‌ها به فرصت‌های باد عبور می‌کنند و زمان از دست می‌رود، فرصت‌های خیر را برای انجام بهنگام کارها مغتنم بشمارید. کار مردم را سریع و بدون فوت وقت انجام دهید و اگر کوتاهی کنید، فسرادی قیامت باید جوابگو باشید. شهید جمهور کسی نبود که گرفتار دیوان سالاری اداری شود و انتظار داشت مدیران با نظارت و اشراف، کارها را به‌سرعت به نتیجه برسانند تا بوروکراسی اداری اخلال در سرعت انجام کارها ایجاد نکند یا آنها را متوقف نسازد. شباهت سیدابراهیم به شهید حاج قاسم سلیمانی این بود که مانند سردار دل‌ها در اخلاص، تدبیر و خستگی‌ناپذیری بی‌بدیل بود. شهید بزرگوار سلیمانی عزیز، ۴۱ سال در میدان رزم و جهاد بود و آرام و قرار نداشت و آقای رئیسی نیز واقعاً استو و خستگی‌ناپذیر در خدمت نظام و مردم بود. از زمان تولیت آستان قدس رضوی(ع) به چهار تا پنج ساعت استراحت در شبانه‌روز اکتفا می‌کرد و بقیه‌وقتش وقف تلاش و مجاهدت بود و اوقات فراغت و تفریح در قاموس او معنا و مفهومی نداشت. دیگر شباهت آیت‌الله رئیسی به سردار سلیمانی این بود که مانند شهید سلیمانی همواره در صحنه و میدان کار حضور داشت. انگار آقای رئیسی در خدمت به مردم و گره‌گشایی از مشکلات آنان آرام و قرار نداشت. عصر چهارشنبه سوم شهریور ۱۴۰۰، وقتی وزرا رأی اعتماد گرفتند، بلافاصله و بدون تشریفات



شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در حاشیه اقامه جماعت در اولین ماه رمضان حیات

## درد

**سردار احمد وحیدی: «آیت‌الله رئیسی در جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ اعتقاد داشت باید بین کسانی که آگاهانه و مزدورانه برای بی‌ثباتی تلاش کرده و کسانی که ناآگاهانه فریب خورده‌اند، تفاوت قائل نشد و صف‌شان را جدا کرد. می‌گفت بر خوردها باید بسیار نرم باشد. شخص ایشان، ما در وزارت کشور و فرماندهان فراجا به افراد در میدان تذکر می‌دادند که از سلاح استفاده نشود، ولو اینکه علیه‌شان نیز از سلاح استفاده نشود، ولو اینکه علیه‌شان نیز از سلاح استفاده**

تأثیر جنگ شناختی قرار گرفته و وارد صحنه شده بودند. مسئله کاملاً مشخص بود که یک دختر خانم فوت شد و این مانند هزاران پدیده دیگر بود و قوه قضائیه پیگیری می‌کرد و اگر کسی تخلفی داشت، رسیدگی و روال قانونی طی می‌شد. از شخص مقام معظم رهبری تا رئیس‌جمهور و دست‌اندرکاران ابراز تأسف کرده بودند، ولی مشخص بود این یک بهانه بود. همچنین گروهک‌های تجزیه‌طلب غرب کشور در این عرصه فعال شدند و البته برخی نیز کم‌اطلاع بودند و به علت عدم شناخت، وارد صحنه شده بودند. شهید رئیسی با نگاه همه‌جانبه، مسئله را رصد می‌کرد. او اعتقاد داشت باید بین کسانی که آگاهانه و مزدورانه برای بی‌ثباتی تلاش کرده و کسانی که ناآگاهانه و فریب خورده‌اند، تفاوت قائل شد و صف‌شان جدا شود. همچنین می‌گفت باید بر خوردها نیز بسیار نرم باشد. شخص آیت‌الله رئیسی، ما در وزارت کشور و فرماندهان فراجا به افراد در میدان تذکر می‌دادند که از سلاح استفاده نشود، ولو اینکه علیه‌شان نیز از سلاح استفاده شد. در این خصوص نیز شهدای عزیزی از حمله شهید عجمیان ناجوانمردانه به شهادت رسیدند. همچنین ایشان و ما در وزارت کشور تأکید داشتیم که باید فضاهای دانشگاه‌ها به‌آرامی مدیریت شود و به رغم برخی شلوغی‌ها در بعضی دانشگاه‌ها – که شعارهای هنجار شکنانه سر داده شد– حتی یک نیروی مسلح وارد دانشگاه نشد! در حالی که در غرب می‌بینیم که چه برخوردی با دانشجویان دارند! روحیه شهید رئیسی در خستگی‌ناپذیری، شگفت‌انگیز بود و دوست و دشمن بر این مسئله اعتراف دارند. ما شاهد بودیم که حجم کار، تلاش، حضور در صحنه و فعالیت‌شان بسیار بالا بود. مثلاً زمانی که قیمت‌ها افزایش یافته بود، اگر فرد دیگری مسئول بود، برای اینکه از مردم حرف نشنود، بین جامعه حاضر نمی‌شد، ولی ایشان با کمال شجاعت شخصاً بین مردم می‌رفت. به‌یاد دارم مثلاً یک موضوع مرتبط را ساعت ۲ نیمه‌شب با وزیر مربوطه تماس می‌گرفتند و پیگیری می‌کردند. ساعات کاری‌شان به‌نحوی بود که بعد از ساعت ۱۲ شب، بخشی از کارهایشان را دنبال و پیگیری می‌کردند...»

■ **واجد سکینه روحی و قلبی**

و سرانجام شهید آیت‌الله رئیسی در دیپلماسی فعال و نمندانه خویش از میاهات به مفاخر دینی و انقلابی کشورمان ابا نداشت و در مجامع جهانی ازجمله سازمان ملل متحد، قرآن شریف و تصویر سردار شهید قاسم سلیمانی را سر دست می‌گرفت. خاطرات رضاتقی‌پور، معاون مراسم و تشریفات دفتر رئیس‌جمهور در این موضوع، ختام‌نوشتر ماست:

«آقای رئیسی، یک شخصیت واجد سکینه قلبی بود. این از آن جهت بود که به ایشان از تمام لحظه‌های زندگی، برای رضایت خدا گام برمی‌داشت. به‌عنوان مثال، روزی که خبر داده شد رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق حمله کرده و برخی مستشاران ما به شهادت رسیده‌اند، شهید رئیسی در میزبانی از ایام بودند و نشست افطاری داشتند. آقای اسماعیلی رئیس‌دفتر‌شان خبر را به اطلاع‌شان رساند. به رغم اینکه خبر ناراحت‌کننده بود، ایشان با کنترل احساسات، برنامه با ایتمار را ادامه دادند و بعد از آن بلافاصله به جلسه ویژه مسئولان نظامی و امنیتی مرتبط با این مسئله رفتند. ما همیشه آرامش را در چهره ایشان دیدیم و به‌یاد دارم ایشان به‌هم‌ریخته باشند. در این موارد نیز اطمینان قلبی‌شان محفوظ بود. هر اتفاق خوبی را از جانب خدایمان دانستند و تلاش برای رفع مشکلات مردم برایشان اهمیت داشت و مشکلات مردم بود که ناراحت‌شان می‌کرد. درباره سخنرانی شهید رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۴۰۱ که ایشان تصویر شهید سلیمانی را بالای دست برد و در برابر دیدگان جهانیان بزرگ، از قبل آماده انجام این کار بودیم و آقای رئیسی بعد از انتظار در محل مشخص و فرارسیدن زمان سخنرانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران با متن سخنرانی و مشکلات همراه داشتن تصویر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، پشت جایگاه سازمان ملل قرار گرفتند. وقتی رئیس‌جمهور شهید در انشای صحبت با شجاعت تصویر سردار دل‌ها را بالا بردند و مطالبه رسیدگی دادگاه بین‌المللی در خصوص این جنایت را مطرح کردند، من هم مانند بسیاری از ایرانیانی که این قاب ماندگار را می‌دیدند، اشک ریختم و تحت تأثیر قرار گرفتم! این اقدام آقای رئیسی، دارای پیام‌های مهمی بود. وقتی رئیس‌جمهور ایران با حضور در نشست سازمان ملل، در کشوری که سال‌های سال با ما دشمنی کرده و رئیس‌جمهور آن قاتل محبوب‌ترین چهره ملی ماست، تصویر این شهید را بر دست می‌گیرد، نشان از اقتدار و شجاعت حاج آقا و نشان دادن جایگاه سردار سلیمانی در قلوب مردم ایران بوده است. همچنین در جریان حضور ایشان در سال ۱۴۰۲ در سازمان ملل، هم‌زمان با چندین مورد اهانت به قرآن کریم در برخی کشورها و حمایت‌های سران این کشورها از این اقدام ننگین، ایشان نسخه‌ای از قرآن را بر دست گرفت که ناداسر داد که حقیقت نمی‌سوزد! آن‌زمانی که آقای رئیسی در حال سخنرانی بود و نسخه‌ای از کلام‌الله را بلند کرد، رئیس‌جمهور الجزایر نفر بعدی بود که باید سخنرانی می‌کرد. او از اقدام رئیس‌جمهور ایران در دفاع از قرآن و مظلومان عالم شگفت‌زده شد و با مشت گره کرده به من گفت ماشاءالله و من پاسخ‌ادم الحمدلله...»